فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۵۸- ۱۲۳

بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون

پروانه سلاطین
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه
p_salatin@iauec.ac.ir
نیلوفر غفاری صومعه
دانشجوی دکتری واحد علوم تحقیقات تهران، واحد علوم تحقیقات تهران
Niloufar.ghaffari.s@gmail.com
سمانه محمدی
کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه (نویسنده مسئول)
samanehmohammadi1392@gmail.com

حاکمیت قانون یکي از اصول مهم سیاسي و حقوقي است که بشر از دیرباز در پي تحقق آن بوده است. حاکمیت قانون احترام عملي دولت و شهروندان به هنجارهایي است که روابط فی‌مابین آن‌ها را تنظیم می‌کند؛ به عبارت دیگر حاکمیت قانون دامنه اعتماد شهروندان به قوانین و میزان وفاداري آن‌ها به قوانین را اندازه‌گیري مي‌نماید. حاکمیت قانون در مسائل مربوط به بودجه و به طور کلي مدیریت مالي سبب شفافیت می‌شود و با حفظ قانون‌مداری و افزایش سطح رضایتمندی با بالا رفتن درآمد مالیاتی، کسری بودجه دولت‌ها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر تصویب و اجرای قوانین، هزینه‌هایی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند که سبب افزایش کسری بودجه می‌شود. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل مؤثر (رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم و درجه آزادی اقتصادی) بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط است. مطالعه حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و از نظر روش تحقیق و شیوه نگرش پرداختن به مسئله توصیفی و استنباطی است. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت و گشتاور تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ با استفاده از اطلاعات آماری بانک جهانی نشان داد که رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم و درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.

طبقه‌بندی JEL: H68, K00, C23.
واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم، درجه آزادی اقتصادی، کسری بودجه، داده‌های پانل.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۲

۱. مقدمه

حاکمیت قانون از موضوعات مهمی است که توجه اقتصاددانان و دیگر اندیشمندان در زمینه سیاست را به خود جلب کرده است. امروزه این ادعا به ادعایی قابل قبول تبدیل شده است که تا زماني که حاکمیت قانون در یک کشور برقرار نشده و مورد شناسایی و مورد احترام زمامداران قرار نگرفته باشد، آن نظام، نظام اقتصادی به معنای امروزی محسوب نمی‌شود. از این روست که امروزه هر سخنی راجع به دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، حاکمیت قانون است. از سوی دیگر، از آنجا که مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از طرفی و شهروندان با یکدیگر از سوی دیگر است، با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعامل یادشده نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون برجسته‌تر شده است (مالمیري، ۱۳۷۵). کناک و کیفر[1] (۲۰۰۳)، کناک[2] (۲۰۰۳)، فنک[3] (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که بهبود حاکمیت قانون تأثیر مستقیمی بر توسعه اقتصادی دارد. عطیا (۲۰۰۷)[4] حاکمیت قانون را به عنوان یکي از شاخص‌هاي اندازه‌گیري متغیر کیفیت نهادي[5] معرفي نموده است. متغیر کیفیت نهادي از نظر وي از چهار مؤلفه فساد، کیفیت بوروکراتیك، حاکمیت قانون و موانع سیاسي بر سر راه قوه مجریه تشکیل شده است. حاکمیت قانون سبب شفافیت اقدامات و فعالیت‌های حکومت‌ها و بهبود فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها از طریق مشارکت مردمی می‌شود. شفافیت قوانین مربوط به فعالیت‌های

1. Knack, s and keefer, p
2. Knack
3. Feng
4. Atya, Eyad
5. Institutional quality

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و عملکرد مناسب دولت سبب افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای التزام مقامات حکومتی به حاکمیت قانون، امکان پیش‌بینی و معقول بودن هزینه‌های مبادله برای شهروندان به‌ویژه فعالان اقتصادی است. حاکمیت قانون یك پیش‌شرط زیربنایي و اساسي براي رشد اقتصادی است. یکي از پیامدهاي اقتصادي حاکمیت قانون فراهم شدن زمینه براي رقابت برابر اقتصادي است. چنان چه ماکس وبر نیز معتقد است در جامعه‌اي که در آن امکان رقابت وجود دارد، حاکمیت قوانین عام ضروري است؛ چراکه فرض بر این است چنین جامعه‌اي متشکل از عده زیادي سرمایه‌گذار است که به لحاظ قدرت اقتصادي کم‌وبیش برابرند. در نظامي که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شود، فرصت‌هاي جذاب براي فعالیت‌هاي اقتصادي به نحو برابر براي همگان وجود دارد و تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه‌هاي خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است. از سوي دیگر حاکمیت قانون تأثیرات بسزایي بر سیاستگذاري‌هاي اقتصادي بر جاي مي‌گذارد؛ سیاستگذاری‌هایی راجع به سیاست پولي و سیاست‌هاي مربوط به خصوصي‌سازي. نکته دیگر این است که حاکمیت قانون در مسائل مربوط به بودجه (تدوین، مصرف و نظارت) و به طور کلي مدیریت مالي شفاف داراي اهمیت است. بسیاري از تحلیلگران بر این باورند که یکي از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام مناسب براي سرمایه‌گذاري، وجود حاکمیت قانون است. رعایت اصل حاکمیت قانون و برخورداري از یك نظام حقوقي که به حقوق مالکیت احترام گذارد و قراردادها را محترم شمارد از مباني بنیادین قضایي براي سرمایه‌گذاري است (بارو[1]، ۲۰۰۰). حاکمیت قانون با ایجاد فضایي از اطمینان، اخذ اطلاعات صحیح از قیمت‌های نسبي

1. Barro

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

مانند بازدهي واقعي سرمایه‌گذاری را براي عوامل اقتصادي هموار ساخته و بنابراین به تخصص کارآمد منابع منجر می‌گردد. حاکمیت قانون، کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار را تشویق می‌کند. یک کارآفرین نمی‌تواند در کشوري که بدون حاکمیت قانون اداره می‌شود آزاد باشد. کشورهایی که توسط حاکمیت قانون حکمرانی می‌شوند موانع کمی براي ورود به سیستم رسمی وضع می‌کنند؛ اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آن‌ها اجرا نمی‌شود موانع زیادي براي کارآفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیرقانونی به یک کسب‌وکار منسجم وجود دارد و اکثر کارآفرینی‌های کوچک در بخش‌های غیررسمی مشغول به فعالیت هستند. در این راستا، این مقاله در قالب داده‌های پانل ایستا (SPD)[1] و پانل پویا (DPD)[2] به بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ و آزمون فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

- حاکمیت قانون تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهاي منتخب دارد.
- تورم تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
- درجه آزادی اقتصادی تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
- سرمایه انسانی تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
- رشد اقتصادی تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.

ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای منتشرشده منابع اطلاعاتی خارجی

1. Static Panel Data
2. Dynamic Panel Data

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

و سایت‌های اینترنتی بین‌المللی ازجمله WDI[1] است. جامعه آماری این مطالعه منتخبی از کشورهاي درآمد متوسط است. لازم به ذکر است در انتخاب کشورهاي منتخب، کشورهایي انتخاب شده‌اند که داده‌هاي آماري متغیرهاي مورد استفاده در این مقاله در دوره زمانی مورد بررسی در دسترس بود.

گروه کشورهای منتخب آلبانی، الجزایر، بلیز، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، چین، کلمبیا، کاستاریکا، جمهوری دومینیکن[2]، اکوادور، فیجی، گرانادا[3]، مجارستان، اردن، قزاقستان، مقدونیه، مالزی، مکزیک، پاناما، پرو، رومانی، صربستان، آفریقای جنوبی، تایلند، دومینیکا[4]، تونس، ترکیه و ایران هستند. در ادامه پس از بررسی مبانی نظري و سابقه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می‌شود و درنهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

وقتی در منابع حقوق از قانون سخن گفته می‌شود مقصود تمام قوانیني است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولت وضع شده باشد. در معنای عام، قانون شامل تمام مصوبات مجلس، تصویبنامه‌ها و بخش‌های اداری است. در این راستا در ادبیات اندیشه سیاسي، حاکمیت قانون به دو معني به کار رفته است که البته ارتباط تنگاتنگي با یکدیگر دارند. نخستین معني، احترام عملي دولت و شهروندان به هنجارهایي است که روابط فی‌مابین آن‌ها را تنظیم می‌کند و معني دوم عبارت است از برقراري موازین و ویژگي‌هاي دولت قانونمند. آنچه در بحث حاکمیت

1. World Development Indicator, www.worldbank.org.
2. Dominica republic
3. Grenada
4. Dominica

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

قانون مورد توجه است، تنظیم قوانین عام و اعمال بي‌طرفانه آن بر همگان به نحو برابر و درنتیجه فراهم شدن زمینه رقابت برابر و آزادانه است.

از دیدگاه بانک جهانی،[1] حاکمیت قانون آگاهی و درک در مورد میزان اعتماد و احترام و دنباله‌روی کارگزاران از قوانین جامعه به‌ویژه کیفیت اجرای قرارداد، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها و همچنین احتمال جرم و خشونت را بازتاب می‌کند.

در نظامي که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شود، فرصت‌هاي جذاب براي فعالیت‌هاي اقتصادي به نحو برابر براي همگان وجود دارد و تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه‌هاي خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است. زمانی می‌توان ادعا کرد که در جامعه‌ای قانون حاکم است که سه شرط زیر تأمین شده باشد:

- حمایت از افراد در مقابل دزدی و خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری.
- حمایت در مقابل اقدام‌های خودسرانه دولتی که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند.
- وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف.

حاکمیت قانون نشان می‌دهد که تا چه اندازه فرایندهاي نهادي براي قانون‌گذاری و اجراي قوانین به‌خوبی پیاده‌سازی شده و مورد پذیرش هستند.

حاکمیت قانون ذهنیت در مورد وقوع جنایت، کارآمدي و قابل پیش‌بیني بودن احکام قضایي و ضمانت اجرایي قراردادها را شامل مي‌شود. عوامل مذکور موفقیت یك جامعه در ایجاد محیطي که در آن قوانین عادلانه و قابل پیش‌بیني مبناي تعاملات اقتصادي و اجتماعي را شکل مي‌دهند، اندازه‌گیري کرده و مهم‌تر اینکه مشخص مي‌سازد حقوق مالکیت تا چه اندازه مورد

1. Reflects perceptions of the extent to which agents have confidence in and abide by the rules of society, and in particular the quality of contract enforcement, property rights, the police, and the courts, as well as the likelihood of crime and violence.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

حمایت است. مردم و دولتمردان می‌توانند بالقوه ناقض باشند. بنابراین از طریق میزان احترام مردم و دولتمردان به قانون می‌توان حاکمیت قانون را در یک کشور اندازه‌گیری کرد. مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده حاکمیت قانون در یک کشور میزان جرم و جنایت، اعتماد مردم به مسئولان در اجرای قانون، پیش‌بینی‌پذیری دستگاه‌های قضایی، میزان سرقت و هزینه‌های آن برای صاحبان کسب‌وکار، میزان فرار مالیاتی، جرائم سازمان‌یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت هستند. بانک جهانی با کمک انواع سازمان‌ها، ازجمله نهادهای تجاری درجه‌بندی ریسک، سازمان‌های چندجانبه، مؤسسات پژوهشی و سایر سازمان‌های غیردولتی، حاکمیت قانون را در کشورهای مختلف جهان با استفاده از متدلوژی ترکیبات مشاهده نشده استاندارد[1] با تقریب و خطا تخمین زده است، که در آن شاخص مذکور هر دو سال یک بار در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۶ و سالانه از ۲۰۰۲ به بعد تخمین زده شده است (کافمن، کری و ماسیمو[2]، ۲۰۰۲-۲۰۰۸).

حاکمیت قانون در جامعه‌ای ظهور یافته و استمرار می‌یابد که در آن مجموعه‌ای شناخته‌شده و مورد احترام از «حقوق» و «حدود» برای تمام آحاد جامعه اعم از دولتمردان و مردم عادی وجود داشته و به رسمیت شناخته شده باشد. در حقیقت «حقوق متقابل حکومت و مردم» و التزام هر دو طرف به رعایت این حقوق است که ویژگی حاکمیت قانون را در یک جامعه ایجاد می‌کند. متقابل بودن این حقوق بدان جهت است که هر یک از طرفین به وسیله حقوق طرف مقابل «محدود» می‌شوند. در اندیشه سیاسی غرب مفاهیم «حق»، «حد» و «حقوق متقابل» قدمتی کمتر از چهار قرن دارند. این ایده در پوشش «نظریه قرارداد اجتماعی» اولین بار از طرف «هوگو کروسیوس»

1. Standard unobserved components models.
2. Kaufmann, Daniel & Kraay, Art, Massimo Mastrazzi.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

حقوق‌دان هلندي ارائه شد و بعد از آن توسط افرادي همچون «توماس هابز» «جان لاك» و ديگران پيگيری و تكميل شد (طاهری، ۱۳۷۵)؛ به طوري كه در اواخر قرن نوزدهم ميلادي شكل نوين و متكاملي از آن به عنوان «دولت قانونمند» در اروپاي غربي ظاهر شد. طبق تعريف «كارا دومالبر» دولت قانونمند دولتي است كه در روابط خود با اتباعش تابع نوعي رژيم حقوقي باشد. در نظام دولت قانونمند، حقوق نه‌تنها ابزاري در دست دولت است، بلكه هم‌زمان وسيله‌اي براي محدود كردن قدرت دولت نيز به حساب مي‌آيد. بنابراين دولت قانونمند زماني وجود دارد كه دستگاه ديواني تابع مجموعه‌اي از مقررات خارج و برتر «قانون اساسي» است. رويكردهايي متنوع و متعددي نسبت به حاكميت قانون اتخاذ شده است، اما به طور كلي سه رويكرد بسيار مهم دربارۀ حاكميت قانون را مي‌توان تشريح كرد.

رويكرد اول، رويكرد چپ افراطي يا ايدئولوژيك است كه بنا بر تقسيم‌بندي زيربنا و روبنا در ساختار اجتماعي و اقتصادي، حاكميت قانون منعكس‌كننده روابط اجتماعي جوامع سرمايه‌داري و بورژوازي است كه مطابق آن، سرمايه‌داری درصدد گسترش سلطه خود بر بخش‌های مختلف جامعه بوده و از اين مفهوم براي استعمار و بهره‌گيري به نفع مقاصد خود سود مي‌جويد. اساساً فرهنگ قانون‌گرايی براي حفاظت از آزادي اقتصادي اين گروه خاص ترويج مي‌شود و دولت كه بايد بي‌طرف باشد به صورت ابرازي در دست گروه خاص درمی‌آيد. مهم‌ترين اشكال اين ديدگاه اين است كه بر خلاف مدعاي خود مفهومي ايدئولوژيك و جانب‌دارانه از عدالت و آزادي را معرفي مي‌كند. در حوزه عدالت اجتماعي، استقلال و هويت انساني را ناديده گرفته و از انسان‌ها چهره‌اي ابزاري ترسيم مي‌كند و در مورد آزادي نيز تنها از مفهوم مثبت آن دفاع مي‌كند (مالميري، ۱۳۸۵).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

رویکرد دوم، نسبت به اصل حاکمیت قانون، رویکرد میانی، اثباتی یا حقوقی است که در آن حاکمیت قانون یکی از ویژگی‌های درونی هر سیستم حقوقی است. در این نظریه، حاکمیت قانون هیچ ارزش و اصولی فراتر از آنچه مورد پذیرش یک نظام حقوقی است را بیان نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نظریه، تز جدایی اخلاق از حقوق با تأکید بر برداشت‌های پوزیتویستی یا اثباتی از حقوق است. حاکمیت قانون در این رویکرد به مفهوم برقراری نظم و انضباط اجتماعی است و بیشتر اوصاف قوانین به شمار می‌آید نه اوصاف نهادها و حاکمان سیاسی. هرچند حاکمیت قانون در این دیدگاه اغلب در برابر قدرت خودسرانه و مستبدانه به کار می‌رود، اما بسیاری از اشکال حکومت‌های استبدادی با قانون سازگار است؛ زیرا یک حاکم مستبد می‌تواند قواعد کلی وضع کند که دارای ویژگی‌های قانونی باشد. از نظر مدافعین این دیدگاه حاکمیت قانون دارای وصف سلبی است، بدان معنا که می‌تواند قدرت خودسرانه و استبدادی ایجاد کند و از جهت محتوای و ماهوی نیز قانون اهدافی را دنبال می‌کند که الزاماً با دیدگاه اخلاقی خاصی سازگار نیست، از این جهت قوانین بیشتر جنبه ابزاری و شکلی دارند. اما حاکمیت قانون می‌تواند به نحوی جهت‌گیری شود که از نقض برخی حقوق و آزادی‌ها که منشأ آن‌ها عدم استمرار[1]، ابهام[2] و عطف شدن[3] قوانین است، جلوگیری کند. مهم‌ترین ایراد وارد بر این دیدگاه بی‌توجهی نسبت به اصول و معیارهای اخلاقی به عنوان منشأ و منبع مشروعیت قدرت سیاسی است؛ اما در راستای تأمین هدف حاکمیت قانون در جهت نظم‌بخشی رفتار مردم دو دسته اصول از مفهوم حاکمیت قانون قابل استخراج است.

1. Imstability
2. Umcertaimt
3. Retrospectivemess

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

- دسته اول، اصول ذاتي و محوري مفهوم حاکمیت قانون به شمار مي‌روند که عبارتند از «عمومیت قوانین[1]»، «اعلام عمومي قوانین[2]»، صراحت و شفافیت قوانین[3]، ناظر به آینده بودن قوانین[4]، قابلیت اجرا و پیروي از قوانین[5]، استمرار قوانین[6].
- دسته دوم، اصول تبعي هستند که براي اعمال اصول ذاتي و اهداف حاکمیت قانون مورد نیاز و الزامي هستند. این اصول عبارتند از: استقلال قوه قضائیه، مراعات اصل عدالت طبیعي[7]، اختیار کنترل، نظارت و تجدیدنظر در آراء و تعمیمات[8] و حق دسترسي به محاکم صالح[9].

رویکرد سوم، که نسبت به حاکمیت قانون مطرح شده از آن با عنوان رویکرد راست سیاسي و اخلاقي تعبیر مي‌شود. تفاوت این رویکرد با رویکرد دوم را باید در اهداف و ارزش‌هایی که حاکمیت قانون درصدد حمایت از آن‌هاست جستجو کرد. در حالي که دیدگاه اثباتي، حاکمیت قانون را یك ارزش در عرض سایر ارزش‌ها همانند آزادي، عدالت، برابري و مشارکت سیاسي قرار مي‌دهد، این رویکرد آن را در طول و در خدمت این ارزش‌ها قرار مي‌دهد. وجه مشترك این دو رویکرد آن است که هر دو به اصول برشمرده‌شده حاکمیت قانون باور دارند، با این تفاوت که در رویکرد سوم تمامي این اصول و اوصاف در خدمت اصول بنیادین‌تر قرار دارند. بنابراین مفهوم حاکمیت قانون در این رویکرد دو نتیجه مهم را در پي دارد. یکي اینکه

1. Gemerahtyoflaws
2. Promulgation
3. Clarity and sleafity of laws
4. Prospectjveness
5. Procticabijity
6. Stability of laws
7. Procedural fairness Natural Justice
8. Judicial Review
9. The Right of Access to Competent Courts

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

هرگونه استفاده مستبدانه و خودسرانه از قدرت را منع مي‌كند و ديگر اينكه هر نوع قدرت حكومتي را محدود به مواردي مي‌كند كه از طريق قوانين عمومي، مستمر و صريح مطرح مي‌شود. در اين رويكرد حاكميت قانون بيشتر مربوط به وظايف و مسئوليت‌هاى حكومت و نهادهاي سياسي است تا شهروندان. چنين مفهومي حكومت‌ها را ملزم مي‌كند تا تنها بر اساس قانون حكومت كنند، تا هيچ فردي فراتر از قانون داراي اختيارات و امتيازات ويژه‌اي نشود (مالميري، ۱۳۸۵). در اين مفهوم، حاكميت قانون با جامعه مدني ارتباط تنگاتنگي پيدا مي‌كند كه در آن افراد عاقل و برابر هستند و به دنبال خواسته‌هايشان بر اساس مفهوم خاصي هستند كه هريك از حقيقت و اخلاق دارند. در اين رويكرد حاكميت قانون بر پيش‌فرض‌هاى بسيار مهمي چون حفظ حقوق و آزادى‌هاي اساسي، مديريت عرفي حكومت نه مديريت بر اساس ترجيحات ايدئولوژيك و بي‌طرف و مشروط بودن دولت استوار است. در اين حالت حاكميت قانون خود ارزشي اصلي و ذاتي به شمار نمي‌آيد، بلكه اصلي است كه در خدمت ارزش‌هاي بنيادتري مانند دفاع از حقوق انساني و آزادى‌هاي اساسي نظير آزادي عقيده، بيان، مطبوعات و ... است. در اين ديدگاه، هدف قانون محدود كردن يا سركوب حقوق و آزادى‌ها نيست، بلكه تنظيم و توزيع و حراست قانون آن‌هاست. به طور كلى در بحث از مباني حاكميت قانون سه ايده آزادي، حقوق بشر و برابري از جايگاه ويژه‌اي برخوردارند و نقش عمده‌اي را در تحقق اين اصل ايفا مي‌كنند (راعى، ۱۳۹۱). در يك نظام سياسي قانونمند، سرمايه‌گذاران قادرند با اطمينان كافي به نظام حقوقي، سياسي و اقتصادي اقدام به سرمايه‌گذاري كرده و چشم‌انداز معقول و قابل قبولي براي آينده پيش‌بيني كنند (مالميرى، ۱۳۸۵). در اين راستا فيش و بروكس[1] در مطالعه خود

1. Fish, M.Steven and Brooks, Robins

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

به نقش مهم حاکمیت قانون اشاره کردند و با بررسي رابطه بین تنوع قومي- نژادي و دموکراسي به این نتیجه دست یافتند که تنوع، آسیبي به دموکراسي نمي‌زند. استقرار و تقویت حاکمیت قانون یکي از زمینه‌هایي است که از این آسیب‌رساني احتمالي جلوگیري مي‌کند. به عقیده محققان، برقراري حاکمیت قانون پیامدهاي اقتصادي قابل توجهي را به دنبال دارد. گرچه مي‌توان برخي از این پیامدها را واجد ماهیتي حقوقي نیز دانست.

مینسو[1] (۱۹۹۹) نشان مي‌دهد فقر قوانین و چارچوب‌های نهادي تأثیر منفي بر سرمایه‌گذاري دارد. تجمیع سرمایه انساني را محدود و فرایند انتقال تکنولوژي را کند، تولید و درآمدهای مالیاتی را کاهش و کسری بودجه را افزایش می‌دهد. بارو[2] (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که اگر کاهش در منابع تأمین کسری بودجه از طریق کاهش مالیات اتفاق افتد، درنهایت به مالیات‌های بیشتری در آینده منجر می‌گردد. بارو در مطالعه دیگری در دو دوره زمانی (۱۹۱۸-۱۷۰۶) و (۱۹۸۶-۱۹۶۰) کسری بودجه را نتیجه انباشت بدهی‌ها در دوره قبل و نسبت هزینه‌های موقتی دولت بریتانیا می‌داند. وی نشان می‌دهد که نسبت کسری بودجه به GDP با نسبت بدهی‌ها و هزینه‌های موقتی به GDP ارتباطی مثبت و قوی دارد.

کفرونـاك و السـن[3] (۱۹۹۶) و دي‌هـان و استروم (۱۹۹۴) کرچااسنر[4] (۲۰۰۱) پیوند شدید بین متغیرهاي سیاسي (حاکمیت قانون، ثبات سیاسي و ...) و کسري بودجه را نشان می‌دهند. کشورهایي با حکومت‌هاي مستبد کسري‌هاي بودجه انباشته را بیشتر از کشورهاي

1. Minsoo. Lee
2. Barro
3. Keefer. P- Knack. S-Olson. M
4. Kirchgaessner,G

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

دموکراتیک تجربه می‌کنند (دی هان و همکاران[1]، ۱۹۹۴). دانیل اسشوگورنسکی[2] (۲۰۰۴) نشان می‌دهد اصول حقوقی دموکراتیک، شفافیت زیاد دولت‌ها و شهروندان فعال از معیارهای بودجه مشارکتی است. افزایش اعتماد، سبب تولید بودجه‌های مشارکتی شده است. اعتماد متقابل بین دولت و شهروندان از طریق نهادهایی که مستقل عمل کنند، درنهایت تعادل بودجه را ایجاد می‌کند. السینا و پروتی[3] (۱۹۹۵) دریافتند که کسری‌های بودجه زیاد در برخی از کشورهای (OECD) و افزایش بدهی‌های آن‌ها در ۲۰ سال منتهی به سال ۱۹۹۳ به وسیله مدل‌های کسری‌های ملایم بودجه[4] قابل توضیح نیست، بلکه مدل‌های اقتصادی سیاسی در این خصوص کارآمدتر عمل می‌کند.

۳. سابقه پژوهش

سالی انگل مری[5] (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «حاکمیت قانون چیست؟ چشم‌انداز میانمار» تشریح کردند که مفهوم حاکمیت قانون به عنوان پایه‌ای برای حمایت از مسائل سیاسی، جنبش اصلاحات و رتبه‌بندی عمل می‌کند؛ با این وجود برای تعریف بسیار دشوار است. نکته مهم، رویکرد جدید در مورد مخالفت با حاکمیت قانون است. در این رویکرد به جای آنکه پرسیده شود حاکمیت قانون چیست، پرسیده می‌شود چه چیزی نیست. تاریخ عمیقاً تجزیه‌وتحلیل متنی از نحوه کار قانون در میانمار را نشان می‌دهد که حاکمیت قانون با ایده‌های قانون و نظم را انکار می‌کند و همچنین درک اینکه حاکمیت قانون چگونه کار می‌کند نیاز به بررسی چگونگی آن در داخل سیستم‌های سیاسی و ایدئولوژیکی تعبیه شده است.

1. De Haan & E. Strum
2. Schugurenky. Daniel
3. Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto
4. Smoothing Budget Deficit
5. Sally Engle Merry

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

فرناندز ویلاورد[1] (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان «قانون کبیر (مگنا کارتا)، حاکمیت قانون و حریم دولت»، به بررسی سنت حقوقی که در پیوند مگنا کارتا با مفاهیم مدرن از حاکمیت قانون و محدودیت در دولت است، پرداخت. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که احیای تعهدات اساسی حاکمیت قانون سبب تغییر شکل دولت‌های مدرن می‌شود.

ارجمند و همکاران[2] (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رشد و بهره‌وری؛ نقش کسری بودجه در کشورهای منتخب منا» به بررسی ارتباط رشد و بهره‌وری و کسری بودجه در کشورهای منتخب منا پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ با استفاده از مدل پانل‌های ایستا نشان‌دهنده اثر مثبت متغیرهای رشد اقتصادی، نرخ تورم و تأثیر منفی نیروی کار بر بهره‌وری و کسری بودجه است. همچنین نتایج همبستگی منفی میان کسری بودجه و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

کویاما و جانسون[3] (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ثبات پولی و حاکمیت قانون» به بررسی ارتباط میان عملکرد پول و حاکمیت قانون پرداختند. آن‌ها این ادعا که ثبات پولی شرط لازم برای حاکمیت قانون است به کشف رابطه میان تورم و کاهش قیمت ناشی از بی‌ثباتی پولی پرداختند که سبب تضعیف حاکمیت قانون می‌شود. نتایج نشان می‌دهد نهادهای پولی منجر به حفظ ثبات پولی و حاکمیت قانون می‌شوند.

هاگارد و تاید[4] (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «حاکمیت قانون و رشد اقتصادی به بررسی اثر رشد اقتصادی بر حاکمیت قانون پرداختند. حاکمیت قانون خود شامل عواملی چون امنیت شخصی و حقوق مالکیت، کنترل فساد و ... است. نتایج نشان می‌دهد ارتباط

1. Jesús Fernández-Villaverde
2. Mansoor Arjomanda, Karim Emamib, Farshid Salimic
3. Sally Engle Merry
4. Haggard & Tiede

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

معناداری میان حاکمیت قانون و رشد اقتصادی وجود دارد.

فاگبادبو[1] (۲۰۰۷) در مطالعه خود تحت عنوان «فساد، حکمراني و بي‌ثباتي سياسي در نيجريه» تشريح نمود، دولت نيجريه گرفتار سطح بالاي فساد دستگاه‌هاي دولتي است، شرايط سياسي و اجتماعي ناملايم عملكرد توسعه و پيشرفت نيجريه را به تأخير انداخته است. رهبران سياسي با بحران مشروعيت و مردمان اين كشور با تبعيض نژادي مواجهند. پاسخگويي ضعيف مقامات دولتي و عدم شفافيت به درآمدهاي نفتي، فقر بيشتر مردمان اين كشور را به همراه داشته است. از اين رو وی معتقد است به منظور شكستن اين سيكل، پاسخگويي، شفافيت، حاكميت قانون و ثبات سياسي در اين كشور بايد ايجاد شود.

لی و فیلر (۲۰۰۷)[2] در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» نشان می‌دهند در كشورهايي كه محيط حكمراني مبتني بر قانون ضعيف است سرمايه‌گذاران، سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي (FDI) را بر سرمايه‌گذاري غيرمستقيم خارجي يا پورتفوليو (FPI) ترجيح مي‌دهند. اكثر مطالعات صورت‌گرفته در اين زمينه نشان مي‌دهند كشورهاي در حال توسعه به FDI بيشتر از FPI تمايل دارند. در اين كشورها سهم بزرگي از كل سرمايه‌گذاري را FDI تشكيل مي‌دهد. اين مطالعات از توجيه اين موضوع كه چرا كشورهاي در حال توسعه FDI بيشتري نسبت به FPI جذب مي‌كنند، ناتوانند.

بارو و سالا- آي- مارتين (۱۹۹۵)[3] در پژوهش خود دريافتند كه در ميان اجزاي گوناگون شاخص كيفيت نهادي، حاكميت قانون، هنگامي كه طيفي از متغيرهاي

1. Fagbadebo, omololu
2. Li, shaomin, Filer Larry.
3. Barro, Robert j. and Sala-i-Martin, Xavier

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

محیطي و دیگر متغیرها کنترل شوند، تنها عاملي است که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رشد اقتصادي دارد.

خصری و ساعی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فرهنگ سیاسي و حاکمیت قانون در ایران با تأکید بر بی‌اعتمادی سیاسي ناشي از توهم توطئه» به بررسي علت ضعف حاکمیت قانون در ایران پرداختند تمرکز اصلي آن‌ها در این مطالعه بررسی نقش فرهنگ سیاسي به عنوان عامل ضعف حاکمیت قانون در ایران است. نتایج نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسي ایران با تشدید و تقویت بی‌اعتمادی سیاسي ناشي از توهم توطئه، سبب نقض حاکمیت قانون می‌شود.

اصلانی و کاظمینی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مفهوم حاکمیت قانون و برداشت از آن با تأکید بر قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران» به بررسي مفاهیم و برداشت‌ها از حاکمیت قانون در قانون اساسی پرداختند و تشریح کردند که حاکمیت قانون به عنوان اصطلاحي جدلي، مبناي مهم ارتباط دولت و شهروندان است. در پارادایم‌های مختلف عناصر و مؤلفه‌های اصلي و اولیه، مفهوم حاکمیت قانون متفاوت است. برخي این گزاره‌ها را دلایل و قانوني بودن آن دانسته و بعضي استناد و قانونیت را عناصر اصلي این مفهوم قلمداد کرده‌اند. در مقام نظریه‌پردازی و اجرا نیز ممکن است مفهوم‌ها، برداشت‌ها و تحلیل‌های مختلفي ارائه شود.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی» به بررسي اثر عوامل نهادي در کنار عوامل دیگر اقتصادي بر رشد اقتصادي در ۵۰ کشور با سطوح مختلف در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵ پرداختند. عوامل نهادي شامل نهادهاي حاکمیتي (حق اظهار نظر و پاسخگویي، ثبات سیاسي، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسي و اثربخشی دولت) است. نتایج نشان می‌دهد که اثر نهادهاي عمومي چون حاکمیت قانون، ثبات سیاسي، کنترل فساد، کیفیت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

بوروکراسي و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادي مثبت و معنادار بوده و اثر شاخص حق اظهار نظر و پاسخگويي يا همان شاخص دمکراسي مثبت اما غير معنادار است.

۵. تصریح مدل و برآورد

در این مقاله با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تجربی کفرونـاك و السـن[1] (۱۹۹۶)، دي‌هـان و استروم (۱۹۹٤) و کرچا اسنر[2] (۲۰۰۱) با تعدیلاتی از معادله (۱) استفاده شده است. مدل‌هایی که در مطالعات اقتصادی تصریح می‌شوند یا از طریق فرایند بهینه‌یابی حاصل می‌شوند یا به صورت Ad hoc هستند. در این مقاله نیز معادله (۱) به صورت Ad hoc تصریح شده است. در مدل‌های Ad hoc بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته شناسایی می‌شوند و چگونگی ارتباط تئوریکی هرکدام از عوامل مؤثر بر متغیر وابسته تشریح می‌شوند و سپس به عنوان متغیرهای توضیحی (مستقل) در مدل تبیین می‌شوند. در این راستا در این مقاله نیز ابتدا عوامل مؤثر بر کسری بودجه شناسایی شدند و از میان عوامل مؤثر بر کسری بودجه متغیرهایی انتخاب شدند که داده‌های آماري آن متغیرها در جامعه آماري این مقاله (گروه کشورهاي منتخب درآمد متوسط) در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ در دسترس بود. همچنین نتایج مناسبی از برآورد مدل (از نظر تئوری اقتصادی و معناداری) به دست آمد. ازجمله این متغیرها درجه آزادی اقتصادی، تورم، سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و حاکمیت قانون هستند.

1. Keefer. P- Knack. S-Olson. M
2. Kirchgaessner,G

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

$$BD_{it} = \beta_0 + \beta_1 RL_{it} + \beta_2 IN_{it} + \beta_3 LSV_{it} + \beta_4 OPENCU_{it} + \beta_5 LGDPCU_{it} + U_{it} \quad (۱)$$

در این معادله BD[۱] کسری بودجه[۲]، RL[۳] حاکمیت قانون، IN[۴] تورم، LSV[۵] لگاریتم سهم شاغلان دارای تحصیلات متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی، OPENCU[۶] درجه آزادی اقتصادی[۷]، LGDPCU لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی[۸] به عنوان شاخص رشد اقتصادی، U جمله خطای معادله و t،i نشان‌دهنده کشور و زمان هستند. در این مطالعه برای محاسبه کسری بودجه اطلاعات آماری مربوط به درآمدهای مالیاتی و مخارج دولتی از سایت بانک جهانی[۹] اخذ شده است و کسری بودجه به صورت زیر توسط مؤلفین مقاله محاسبه شده است.

Budget deficit = tax revenue (%of GDP)
− General government final consumption expenditure (% of GDP)

اطلاعات آماری مربوط به واردات و صادرات کالاها و خدمات از سایت بانک جهانی اخذ شده است و درجه آزادی اقتصادی به صورت زیر توسط مؤلفین مقاله محاسبه شده است.

open economy = ((Imports of goods and services (current US$)
+ Exports of goods and services (current US$))/ GDP (current US$))

اطلاعات آماری مربوط به حاکمیت قانون از سایت حکمرانی مربوط به بانک جهانی[۱۰] اخذ شده است.

1. Budget deficit.
2. Budget deficit = tax revenue (%of GDP) -General government final consumption expenditure (% of GDP)
3. Rule of Law
4. Inflation
5. Secondary education, vocational pupils
6. open economy
7. Open economy =((Imports of goods and services (current US$)+ Exports of goods and services (current US$))/ GDP (current US$))
8. GDP (constant 2005 US$)
9. www.worldbank.org
10. www.govindicators.org

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

اطلاعات آماری مربوط به تورم و شاخص‌های سرمایه انسانی و رشد اقتصادی از سایت بانک جهانی اخذ شده است.

آزادسازي اقتصادي به عنوان حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع تجاري تعریف می‌شود. آزادسازي موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزي کالاها و خدمات (افزایش بازرگانی بین‌المللی)، افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تسریع انتقال فناوري و جهانی شدن تولید می‌شود (شریفی رنانی و همکاران، ۱۳۹۲). آزادسازی اقتصادی با حذف مقررات دست‌وپاگیر می‌تواند تأثیر بسزایی بر افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه داشته باشد (رزمی و شهرکی، ۱۳۸۸). در اکثر نظریات مربوط به تجارت بین‌الملل بر اهمیت گسترش تجارت در توسعه اقتصادي کشورها تأکید شده است. طرفداران مکتب مرکانتلیسم با وجود اینکه بر اعمال محدودیت‌هاي وارداتی تأکید داشتند، توسعه صادرات را براي رشد اقتصادي ضروري می‌دانستند. در نظریات نئوکلاسیک که هسته اصلی آن مدل هکشر- اوهلین[1] است، گسترش تجارت و بازارهاي جدید، به معنی تخصصی‌تر شدن تولید و تقسیم کار بهتر و افزایش درآمد است. افزایش درآمد نیز منجر به افزایش حجم پس‌انداز شده و سبب افزایش نرخ انباشت سرمایه، رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه می‌شود. از سوی دیگر افزایش درآمد، فرصت‌هاي آموزشی و مراقبت‌هاي بهداشتی و پزشکی بهتري را موجب شده و منجر به عرضه خدمات اجتماعی مطلوبتري از سوي دولت و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود. از این رو اثر آزادسازی اقتصادی بر کسری بودجه مبهم است. آزادسازي اقتصادی و گسترش تجارت به طور قابل توجهی می‌تواند درآمدهاي مالیاتی دولت و تعرفه‌هاي گمرکی را کاهش دهد. کاهش درآمد دولت

1. Ohlin, H

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

نیز بر کیفیت و کمیت ارائه خدمات عمومی دولتی مانند آموزش و بهداشت تأثیر گذاشته و کسری بودجه را افزایش می‌دهد. همچنین گسترش تجارت و رشد سریع اقتصادی می‌تواند اثرات سوئی بر محیط زیست داشته باشد. هزینه‌هایی برای مقابله با آلودگی بر دولت‌ها وارد سازد. تقویت اثرات مثبت و تعدیل اثرات منفی به سیاست‌های دولت و تصمیم‌گیری سیاستگذاران هر کشور بستگی دارد (گروسمن[1]، ۲۰۰۳).

در ادبیات اقتصادی در زمینه نقش و اثر تورم بر درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه تانزی[2] برای اولین بار مطرح نمود که تورم سبب کاهش ارزش حقیقی درآمدهای مالیاتی می‌شود؛ وی معتقد است که افزایش تورم ممکن است درآمدهای مالیاتی حقیقی را به دلیل تأخیر در پرداخت مالیات‌ها، که یک پدیده بسیار مرسوم در کشورهای در حال توسعه است، کاهش داده و احتمال وقوع کسری بزرگتر را نیز افزایش دهد و هرچقدر تأخیر در پرداخت مالیات بیشتر و سیستم مالیاتی انعطاف کمتری داشته باشد، تأثیر تورم بر درآمدهای حقیقی مالیاتی و به تبع آن گسترش کسری بودجه بیشتر خواهد بود. این فرایند در ادبیات اقتصادی به اثر تانزی مشهور است. در حالی که تجربیات کشورهای صنعتی جهان عکس این مطلب را نشان می‌دهد. در اغلب این کشورها، تورم با افزایش حقیقی درآمدهای مالیاتی همراه بوده است و مشکل کشورهای مزبور، سامان‌دهی نحوه برخورد آنان جهت خنثی کردن اثرات نامطلوب این افزایش است. احتمالاً افزایش تورم زمانی منجر به افزایش درآمدهای حقیقی مالیاتی و کاهش کسری بودجه می‌شود که وقفه‌های جمع‌آوری مالیات کوتاه باشد و نظام مالیاتی باکشش باشد. وقتی در کشوری درآمد مالیاتی با وقفه‌های طولانی جمع‌آوری می‌شود و کشش قیمتی درآمد مالیاتی

1. Grossman
2. Tanzi

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

کمتر از یک است، نتایج تأثیر تورم، به‌ویژه وقتی که نرخ تورم بالا است، می‌تواند متفاوت باشد. در این‌گونه کشورها، تورم موجب کاهش درآمدهای حقیقی مالیاتی می‌شود. وقتی نظام مالیاتی کشش‌ناپذیر و وقفه‌های جمع‌آوری مالیات طولانی و نرخ تورم بالا باشد، تحلیل در مورد اینکه چه اتفاقی برای مالیات می‌افتد، دشوارتر بوده و نمی‌توان حکم کلی برای تمامی کشورها در این زمینه صادر کرد. در این راستا برسکین تورونی در سال ۱۹۳۷ از اولین اقتصاددانانی بود که رابطه بین نرخ تورم و کسری بودجه را مطالعه نمود و نشان داد زمانی که تورم شتابان است رابطه کسری بودجه و تورم می‌تواند منفی باشد. پاتینکین[1] (۱۹۹۳) تصور کرد که ممکن است بین نرخ تورم و کسری بودجه رابطه منفی برقرار باشد و نظریه تورونی را مورد تأیید قرار داد. وی معتقد بود که در نرخ‌های تورم بالا، مخارج حقیقی کمتر از زمانی که تورم وجود ندارد و یا پایین است ظاهر خواهد شد. به نظر وی اثر پاتینگین تثبیت‌کننده قوی در نرخ‌های بالای تورم خواهد بود. تعدیل کسری بودجه ناشی از کاهش مخارج حقیقی که از افزایش تورم حاصل می‌شود، به اثر پاتینگین مشهور است. در کشورهایی که تجربه تورم را داشته‌اند اثر تانزی و پاتینگین به نحوی خودشان را نشان می‌دهند و بسته به شرایط اقتصادی، شدت و ضعف آن‌ها متفاوت بوده و خواهد بود. درواقع اثر تانزی از ناحیه درآمدها و اثر پاتینگین از ناحیه هزینه‌ها کسری بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تورم از طرف درآمد و با فعال شدن اثر تانزی موجب انباشته شدن کسری بودجه دولت و تشدید آن می‌شود. از سوی دیگر، تورم از سوی هزینه‌ها بر مخارج دولت اثر می‌گذارد و بسته به شرایط اقتصادی و دامنه تورم، بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۹).

1. Patinkin

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

امروزه اشتغال و به طور کلي ساختار نيروي كار و به‌ويژه نيروی كار تحصيل‌كرده جايگاه ويژه‌ای در مسائل اقتصادي و به‌ويژه رشد و توسعه اقتصادي دارد. در نيم قرن گذشته بخش قابل توجهی از پيشرفت كشورهای توسعه‌يافته مرهون تحول در نيروی كار ماهر و متخصص بوده است (صالحی، ۱۳۸۱). نيروی كار تحصيل‌كرده می‌تواند به بهبود كيفيت كالا كمك كند و از طرفي نقش برنامه‌ريز و هدايت‌كننده داشته باشد. آن دسته از نيروي كاري كه از سطح دانش و آموزش بيشتري برخوردار باشند قادرند در چرخه توليد پويايي و تحول تكنولوژيك ايجاد كرده، سبب افزايش ظرفيت توليد، توسعه تجارت و رسيدن به رشد اقتصادي بالاتر، افزايش درآمدهای مالياتی و كاهش كسری بودجه شوند. افزايش سطح دانش و مهارت‌های نيروی كار، شرط لازم براي از بين بردن عقب‌ماندگی اقتصادي و ظرفيت‌های استفاده‌نشده اقتصادي و ايجاد انگيزه‌های لازم براي پيشرفت است (طيبي، شيخ‌بهايي، گوگردچيان، ۱۳۸۸). نيروی كار تحصيل‌كرده تنها نهاده‌ای است كه می‌تواند ضمن تغيير خود ساير نهادهای توليدی را تغيير يا تعديل كند و مبنايی برای نوآوری فراهم سازد و در سطح وسيع به رشد اقتصادی، افزايش درآمدهای مالياتی و كاهش كسری بودجه بينجامد. كاپلو[1] (۱۹۹۳) بر اساس نظريه ماليات بر درآمد مطلوب سيمون[2] (۱۹۳۸) تشريح می‌كند كه متغيرهای مهمی مانند آموزش، تعداد كارمندان با تحصيلات بالا در سيستم‌های اداری و مالياتی و ... بر سطح درآمدهای مالياتی و كسری بودجه مؤثرند. در حالی كه در كشورهای كمتر توسعه‌يافته نقش نيروی كار تحصيل‌كرده در توسعه نظام مالياتی كمتر مورد توجه قرار گرفته است. استفان[3] (۲۰۰۳) با بررسی ۹

1. Kaplow
2. Simon
3. Stephan

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

کشور در حال توسعه دریافت که در صورتی که این کشورها بر روی آموزش و توسعه منابع انسانی شاغلین در داخل و خارج سیستم مالیاتی کار کنند در بلندمدت درآمدهای مالیاتی افزایش و کسری بودجه کاهش خواهد یافت. در ادامه روند حاکمیت قانون در ایران و میانگین حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط آمده است.

نمودار ۱. روند حاکمیت قانون در ایران

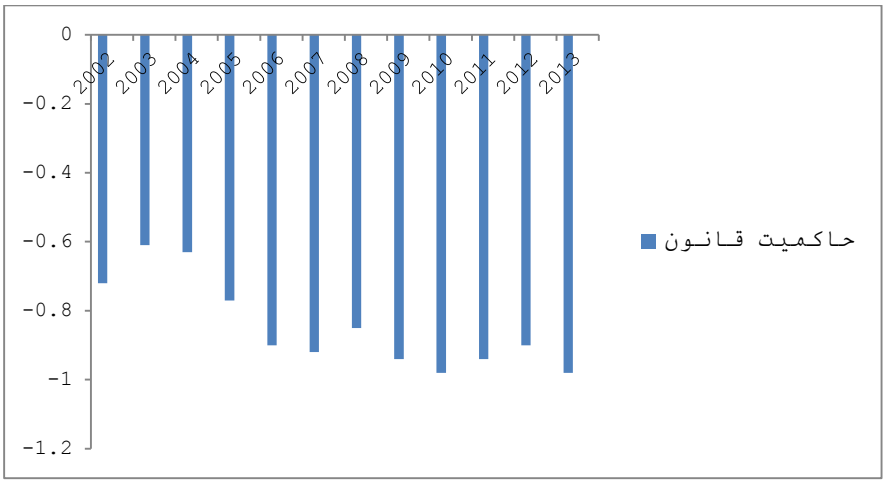

مأخذ: بانک جهانی و محاسبات محقق

نمودار ۲. میانگین حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

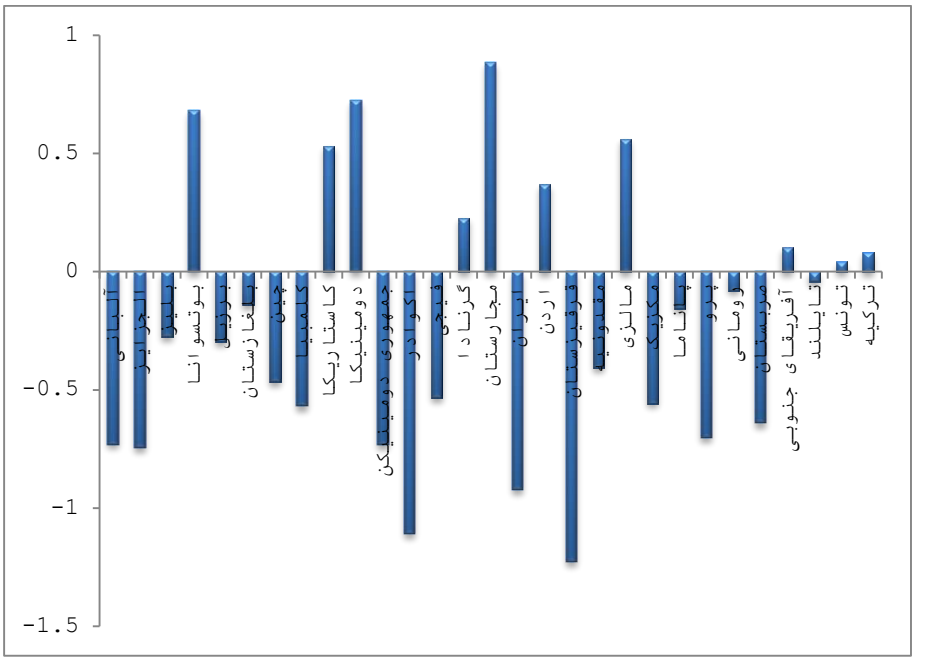

مأخذ: بانک جهانی و محاسبات محقق

روند شاخص حاکمیت قانون در ایران و میانگین حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ نشان می‌دهد:

- ایران در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳ به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را در این شاخص داشته است.
- کشورهای مجارستان و قرقیزستان به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را در میانگین حاکمیت قانون داشته‌اند و ایران رتبه ۲۶ در میان ۲۹ کشور درآمد متوسط به خود اختصاص داده است.

به منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود؛ بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هریک از کشورهای از آماره F استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه‌شده در جدول (۱) فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

درنتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نیست و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ کرد. سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد شود، از آزمون هاسمن به صورت زیر استفاده شد:

$$H \equiv n\,\hat{q}'\,(A\mathrm{var}(\hat{q}))^{-1}\,\hat{q}$$

$$\begin{cases} \mathrm{H}_0\text{: Random Effects} \\ \mathrm{H}_1\text{: Fixed Effects} \end{cases}$$

که در آن $\hat{q}$: تفاضل ضرایب برآورد شده برای متغیرهای توضیحی لحاظ شده در روش اثرات ثابت و تصادفی ($\hat{q} = \hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE}$)؛ $A\mathrm{var}(\hat{q})$: واریانس مجانبی $\hat{q}$ و n: تعداد مشاهدات است.

فرضیه صفر این است که تخمین‌زن‌های مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت به طور اساسی تفاوتی با یکدیگر ندارند. اگر فرضیه صفر رد شود روش اثرات تصادفی مناسب نیست و بهتر است از روش اثرات ثابت استفاده شود. آماره هاسمن دارای توزیع کای- دو با درجه آزادی برابر تعداد ضرایب تخمین زده‌شده در مدل است. اگر آماره محاسبه‌شده در سطح احتمال معین از توزیع کای- دو جدول بزرگتر باشد، در این صورت فرضیه صفر رد می‌شود (بالتاجی، ۲۰۰۰)[1]. انجام آزمون هاسمن با استفاده از نرم‌افزار EVEIWS انجام گرفت. با توجه به میزان آماره χ^2 به‌دست‌آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون در جدول (۱) فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش تصادفی رد می‌شود. از این رو اثرات ثابت برای تخمین مدل تأیید می‌شود که نتایج مربوط به آن در جدول (۱) ارائه شده است. علاوه بر تخمین مدل با استفاده از تخمین

1. Baltagi.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

زن‌های اثرات ثابت، مدل تجربی در این مقاله با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته و با تکیه بر مدل پانل پویا[۱] خطی تخمین زده شده است. مدل پانل پویای خطی را می‌توان به صورت رابطه (۲) نشان داد:

(۲)

$$y_{it} = \sum_{j=1}^{P} \rho_j y_{it-j} + X'_{it}\beta + \delta_i + \varepsilon_{it}$$

که در آن: y_{it}: متغیر وابسته، x_{it}: ماتریس k بردار از رگرسورها، ε_{it}: جزء خطا، β: بردار ضریب رگرسورها، δ_i: تأثیرات ویژه مقطعی (تصادفی یا ثابت)، $i = 1,2,...,M$: مقاطع مختلف مدل که در زمان‌های $t = 1,2,...,T$: مشاهده شده‌اند را نشان می‌دهد. مشکل اساسی که در تخمین این مدل وجود دارد این است که وقفه متغیر وابسته در سمت راست با جزء خطا ارتباط دارد. این مشکل سبب می‌گردد تخمین زننده OLS تورش‌دار و ناسازگار شود. یکی از راه‌حل‌های معمول برای حل این مشکل یك مرتبه تفاضل‌گیری از معادله اصلی برای حذف تأثیرات مقطعی و سپس استفاده از تخمین زننده‌های GMM است. تفاضل مرتبه اول این تصریح به صورت (۳) است:

(۳)

$$\Delta y_{it} = \sum_{j=1}^{P} \rho_j \Delta y_{it-j} + \Delta X'_{it}\ \beta + \Delta \varepsilon_{it}$$

تخمین گشتاورهای تعمیم‌یافته کارا از این معادله در حالت متداول شمار مختلفی از ابزارها شامل وقفه‌های متغیر وابسته و متغیرهای برون‌زا (از پیش تعیین‌شده) قابل دسترس در هر دوره را استفاده

۱. این مدل‌ها توسط Holtz-Eakin,Newey and Rosen(1990), Arrellano and Bond (1991), Arrellano and Bover(1995) بسط و توسعه یافته‌اند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

خواهد کرد. استفاده از وقفه‌های متغیر وابسته به عنوان ابزار به برخي از محدودیت‌های کوواریانسی بر روی δ_i, ε_i نیاز دارد. این محدودیت‌ها به تعدادی شرایط گشتاوری اشاره دارد که به وسیله تخمین‌زننده های گشتاورهای تعمیم‌یافته بر معادله تفاضلی وضع می‌گردد. برای مثال فرض کنید وقفه‌های متغیر وابسته و سطوح متغیرهای توضیحی برون‌زا (از پیش تعیین‌شده) را به عنوان ابزار در معادله تفاضلی به کار برده شود آنگاه در اولین دوره در دسترس یعنی در $t=3$ x_{i2}, x_{i1}, y_{i1} ابزارهای معتبری هستند. از آنجایی که y_{il} با Δy_{i2} همبسته ولی با $\Delta \varepsilon_{i3}$ ناهمبسته است. همچنین x_{i2}, x_{i1} با $\Delta \varepsilon_{i3}$ ناهمبسته ولی با Δx_{i3} همبسته هستند. به طور مشابه متغیرهای ابزاری که برای دوره T ام به دست می‌آید عبارتند از $(y_{i1},...,y_{i,T-2} x'_{i1},....x'_{i,T-1})$. با ادامه دادن این روش می‌توان مجموعه‌ای از ابزارهای از قبل تعیین‌شده را برای مقاطع i با استفاده از وقفه‌های متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی تشکیل داد:

(۴)

$$W_i = \begin{bmatrix} [y_{i1}, x'_{i1}, x'_{i2}] & & \\ & [y_{i1}, y_{i2}, x'_{i1}, x'_{i2} x'_{i3}] & \\ & & [y_{i1},..., y_{i,T-2}, x'_{i1},..., x'_{i,T-1}] \end{bmatrix}$$

بنابراین علاوه بر شرایط گشتاوری اولیه، شرایط گشتاوری ثانویه با شروط زیر برقرار است. برای همه iها، همبستگی پیاپی در اجزای خطا وجود ندارد. متغیرهای توضیحی x به طور ضعیف برون‌زا هستند. بر این اساس شرایط گشتاوری (۵) را می‌توان بیان کرد:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

(۵)

$$E[y_{is}, \Delta\varepsilon_{it}] = 0 \quad for \quad s \geq 2, t = 3,...,t$$
$$E[x_{is}, \Delta\varepsilon_{it}] = 0 \quad for \quad s \geq 2, t = 3,...,t$$

با پیش‌ضرب W' در معادله تفاضلی رابطه (۶) به دست می‌آید:

(۶)

$$W'\Delta y_{i,t} = W'\sum_{j=1}^{P}\rho_j \Delta y_{i,t-j} + W'(\Delta x'_{it})B + W'\Delta\varepsilon_{it}$$

با انجام GLS بر روی معادله بالا تخمین سازگار اولیه آرلانو و باند[1] (۱۹۹۱) به دست می‌آید لیکن تخمین زننده بهینه GMM دومرحله‌ای آرلانور و باند برای β, ρ با استفاده از محدودیت‌های گشتاوری بالا رابطه (۷) خواهد بود:

(۷)

$$\begin{pmatrix}\hat{\rho}\\ \hat{B}\end{pmatrix} = \left([\Delta y_{-1}, \Delta x]' W\hat{A}^{-1}W'[\Delta y_{-1}, \Delta x]\right)^{-1}\left([\Delta y_{-1}, \Delta x]' W\hat{A}^{-1}W'\Delta y\right)$$

در مورد $\hat{B}$ تخمین زننده GMM از حداقل نمودن فرم درجه دوم به دست می‌آید:

(۸)

$$s(B) = [W'\varepsilon(B)]' A \ [W'\varepsilon(B)] = g(B)' Ag(B)$$

که در آن A یك ماتریس وزن‌دهنده است. با فرض اینکه ε_{it} خودهمبستگی نداشته باشد آنگاه ماتریس وزن‌دهنده بهینه برای معادله تفاضلی به صورت (۹) خواهد بود:

(۹)

$$A^d = \left(\sum_{i=1}^{M} W' \ \Xi \ W\right)^{-1}$$

و Ξ برابر است با:

1. Arellano & Bond

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

$$\Xi = \frac{1}{2}\begin{bmatrix} 2 & -1 & \dots & \dots & \dots & 0 & 0 \\ -1 & 2 & \dots & \dots & \dots & 0 & 0 \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ 0 & 0 & 0 & 0 & \dots & 2 & -1 \\ 0 & 0 & 0 & \dots & \dots & -1 & 2 \end{bmatrix}\sigma^2$$

این ماتریس وزنی در حقیقت ماتریسی است که در تخمین یك مرحله‌ای آرلانور و باند به کار می‌رود با استفاده از اجزای خطای به‌دست‌آمده از تخمین یك مرحله‌ای می‌توان ماتریس وزنی دیگری به صورت (۱۰) نوشت:

(۱۰)

$$A = \left(\sum_{i=1}^{M} W' \Delta\varepsilon_i \Delta\varepsilon_i' W \right)^{-1}$$

که همان ماتریس وزنی تخمین دومرحله‌ای است. به طور کلی در تخمین‌های GMM همواره سه نکته اساسی تصریح متغیرهای ابزاری w، انتخاب ماتریس وزن‌دهنده A، تعیین یك تخمین‌زن برای V وجود دارد. انواع تصریحات در چارچوب مدل‌های GMM قابل توضیح است. به عنوان مثال تخمین‌زن‌های 2SLS, 3SLS, ... حالات خاصی از مدل‌های GMM هستند (گرین، ۲۰۰۳)[1]. با فرض اینکه یك نمونه مشاهدات شامل $\{x_t : t = 1,...,T\}$ وجود داشته باشد، باید یك پارامتر مجهول $p \times 1$ ماتریس θ با ارزش حقیقی θ_0 تخمین زده شود. $E(f(x_t, \theta))$ یك مجموعه از شرایط گشتاوری q است و $f_t(\theta)$ به گشتاورهای نمونه اشاره دارد. تابع استاندارد (۱۱) تعریف می‌شود:

(۱۱)

$$Q_T(\theta) = F_T(\theta)' A_T F_T(\theta)$$

جایی که A_T یك ماتریس معین مثبت $p \times p$ است. بر این اساس تخمین زننده GMM از θ عبارت است از:

1. Green

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

$$\hat{\theta}_T = \arg\min_{\theta} Q_T(\theta)$$

تخمین زننده GMM که با این شرایط به دست می‌آید دارای خواص مجانبی سازگاری، نرمال مجانبی و کارایی مجانبی است. نتایج برآورد معادله (۱) با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در جدول (۱) ارائه شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

جدول ۱. نتایج برآورد عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط (متغیر وابسته: کسری بودجه)

متغیرهای توضیحی	روش اثرات ثابت	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته
	ضرایب $(P-\nabla value)$	ضرایب $(P-\nabla value)$
IN	۰/۱۷۷۵۱۳ (۰/۰۰۱۷)	۰/۱۲۸۲۰۸ (۰/۰۰۰۰)
LSV	۱/۳۸۰۷۵۹ (۰/۰۱۳۲)	۲/۹۷۷۵۴۲ (۰/۰۰۰۰)
OPENCU	۰/۵۵۷۶۶۱ (۰/۰۰۰۰)	۲/۶۱۷۰۴۶ (۰/۰۰۰۰)
LGDPCU	۲/۶۵۳۸۸۵ (۰/۰۰۰۰)	۱۴/۵۵۰۲۷ (۰/۰۰۰۰)
RL	۴/۷۷۱۷۸۸ (۰/۰۰۰۰)	۱۵/۵۰۴۱۵ (۰/۰۰۰۰)
C	−۸۴/۹۲۱۸۴	-
BD (-1)	-	۰/۰۳۶۵۰۹ (۰/۰۰۰۰)
R^2	۰/۹۰۳۵۱۱	-
F_{test}	$F(۲۵۲، ۲۸) = ۶/۳۵۷۲۹۱$ $P-value = [۰/۰۰۰۰]$	-
H_{test}	$CHISQ(۲۸) = ۱۵۲/۸۲۸۶۰۳$ $P-value = [۰/۰۰۰۰]$	-
J-Statistic	-	۲۰/۶۷۱۲۲

مأخذ: محاسبات محقق

۵. نتایج و پیشنهادها

نتایج حاصل از برآورد مدل (۱) در گروه کشورهای منتخب به روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ در جدول (۱) نشان می‌دهد:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

- حاکمیت قانون تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان حاکمیت قانون و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. قانون اساسي، قوانین عادي، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌هاي حاکم بر تدوین و اجراي آن‌ها، از مؤلفه‌هاي اصلي شکل‌دهنده محیط نهادي کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در هر کشور به شمار مي‌روند. برخي از کشورها از پدیده تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها و در نتیجه، تغییرات پیاپي و غیرقابل پیش‌بیني قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها رنج مي‌برند. حضور چنین پدیده‌اي در یک کشور، مترادف با غیرقابل اعتماد بودن محیط کسب‌وکار در آن کشور است. برعکس، ثبات نسبي و طول عمر معقول سیاست‌ها و قوانین منبعث از آن‌ها در یک اقتصاد، قانونمند و قابل پیش‌بیني بودن تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، با ایجاد نوعي آرامش خاطر براي کارگزاران اقتصادي، این احساس را در آنان تقویت مي‌کند که در محیطي «امن» و «پیش‌بیني‌پذیر» قرار دارند. در چنین محیطي تغییرات غیرمنتظره سیاست‌ها و قوانین اندک است.[1] کارگزاران «مطمئن» هستند که دولت به سیاست‌ها و قوانیني که خود وضع و اعلام کرده است، پایبند خواهد ماند.[2] هرگونه تغییر در سیاست‌ها و قوانین، سریعاً به ذي‌نفعان اطلاع‌رسانی مي‌شود، و مهم‌تر از آن، کارگزاران اقتصادي در فرایند ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، مشارکت داده مي‌شوند[3]. حاکمیت قانون یك پیش‌شرط زیربنایي و اساسي براي رشد اقتصادی است. حاکمیت قانون

1. No Policy Surprise
2. Credibility of Announcements
3. Information and Participation

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

سبب شفافیت اقدامات، فعالیت حکومت‌ها و بهبود فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها از طریق مشارکت مردمی می‌شود. شفافیت قوانین مربوط به فعالیت شرکت‌ها، مؤسسات اقتصادی و عملکرد مناسب دولت‌ها سبب افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و درنهایت کاهش کسری بودجه می‌گردد. بسیاري از تحلیلگران بر این باورند که یکي از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام مناسب براي سرمایه‌گذاري، وجود حاکمیت قانون است. رعایت اصل حاکمیت قانون و برخورداري از یك نظام حقوقي که به حقوق مالکیت احترام گذارد و قراردادها را محترم شمارد از مباني بنیادین قضایي براي سرمایه‌گذاري است (بارو[1]، ۲۰۰۰). در نظامي که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شود، فرصت‌هاي جذاب براي فعالیت‌هاي اقتصادي به نحو برابر براي همگان وجود دارد و تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه‌هاي خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون، کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار را تشویق می‌کند. یک کارآفرین نمی‌تواند در کشوري که بدون حاکمیت قانون اداره می‌شود فعالیت کند. کناک و کیفر[2] (۲۰۰۳)، کناک[3] (۲۰۰۳)، فنک[4] (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که بهبود حاکمیت قانون تأثیر مستقیمی بر رشد و توسعه اقتصادی دارد. افزایش رشد و توسعه اقتصادی نیز سبب افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و درنهایت کاهش کسری بودجه می‌گردد. حاکمیت قانون در مسائل مربوط به بودجه (تدوین، مصرف و نظارت) و به طور کلي مدیریت مالي سبب شفافیت

1. Barro, R.J
2. Knack, s and keefer, p
3. Knack
4. Feng

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

می‌شود و با حفظ قانون مداری در حاکمیت و افزایش سطح رضایتمندی با افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی، کسری بودجه دولت را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر تصویب و اجرای قوانین، هزینه‌هایی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند که سبب افزایش کسری بودجه می‌گردد. در این راستا فقر قوانین و چارچوب‌های نهادی تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری، تولید و درآمدهای مالیاتی دارد و کسری بودجه را افزایش می‌دهد (مینسو[1]، ۱۹۹۹)؛ بنابراین حاکمیت قانون می‌تواند کسری بودجه را افزایش و یا کاهش دهد و اثر آن بر روی کسری بودجه مبهم است.

- تورم تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان تورم و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. تورم‌های خزنده و ملایم بر سرمایه‌گذاری اثر مثبت و تورم شدید و افسارگسیخته، سرمایه‌گذاری مولد را به‌شدت کاهش و گاه یکسره متوقف می‌کنند. چنانچه بر تأثیر منفی تورم بر سرمایه‌گذاری‌های مولد، اثرات زیان‌بار این عامل بر توزیع درآمد و ثروت و عواقب سیاسی و اجتماعی ناشی از آن افزوده شود، قطعاً بر تأثیر منفی تورم بر تولید و رشد اقتصادی و افزایش کسری بودجه صحه خواهیم گذاشت. در شرایط تورمی ارزش مخارج دولتی (هزینه‌های جاری و عمرانی دولت) فزونی می‌یابد، در صورتی که میزان درآمدهای مالیاتی دولت به همان میزان افزایش نمی‌یابد از این رو میان تورم و کسری بودجه رابطه مستقیمی وجود دارد.
- درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان

1. Minsoo. Lee

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد.

- لگاریتم سهم شاغلان دارای تحصیلات متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان سرمایه انسانی و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. با سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از یک سو کیفیت نیروی کار بهبود یافته و لذا موجب کارایی و بازدهی بیشتر نیروی کار شده و بدین ترتیب تولید و درآمدهای دولتی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی موجب ابداع طرح‌های نوین در تولید شده و لذا موجبات استفاده بهینه و مطلوب از منابع و سایر عوامل تولید را فراهم ساخته و از این طریق نیز ظرفیت تولیدی کل اقتصاد را افزایش و درنهایت به افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه کمک می‌کند. از سوی دیگر بهبود کیفیت سرمایه انسانی، هزینه‌های دولتی را افزایش می‌دهد. حال با توجه به اینکه در گروه کشورهای منتخب در این مقاله تأثیر هزینه‌های دولتی از درآمدهای مالیاتی بیشتر بوده است. بهبود سرمایه انسانی سبب افزایش کسری بودجه شده است. شواهد موجود در بیشتر کشورهاي صنعتي نیز مؤید این حقیقت است که میان سرمایه‌گذاري آموزشي نیروي انساني و رشد اقتصادي، درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه ارتباط قوي وجود دارد.
- لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی به عنوان شاخص رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان رشد اقتصادی و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. با افزایش تولید،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

درآمدهای مالیاتی و هزینه‌های دولتی افزایش می‌یابد. حال با توجه به اینکه در گروه کشورهای منتخب در این مقاله تأثیر هزینه‌های دولتی از درآمدهای مالیاتی بیشتر بوده است، لذا افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی موجب افزایش کسری بودجه شده است.

- مقدار ضریب تعیین در معادلات نشان می‌دهد که بیش از نود درصد از تغییرات کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب درآمد توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.
- آماره آزمون سارگان[1] که از توزیع χ^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در تخمین مدل‌ها از اعتبار لازم برخوردار هستند. درنتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شوند.

با توجه به نتایج حاصل از این مقاله پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

- تلاش در جهت روشن‌سازی قوانین و رفع برداشت‌های شخصی از قوانین؛
- افزایش وظایف نظارتی دولت در جهت اجرای صحیح قوانین و کاهش وظایف اجرایی آن؛
- ایجاد نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادها؛
- ایجاد شفافیت در فرآیند قانون‌گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی.

1. Sargan Test

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

منابع

اصلانی، فیروز و سید محمدحسین کاظمینی (۱۳۹۰). «مفهوم حاکمیت قانون برداشت از آن با تأکید بر قانون اساسی ج.ا.ا». *مطالعات انقلاب اسلامی*. دوره ۸. شماره ۲۶. صص ۲۴۷-۲۷۴.
خضری، محمد و احمد ساعی (۱۳۹۱). «فرهنگ سیاسی و حاکمیت قانون در ایران؛ با تأکید بر بی‌اعتمادی سیاسی ناشی از توهم توطئه». *مطالعات سیاسی*. دوره ۵. شماره ۱۷. صص ۴۷-۶۵.
رزمی، علی‌اکبر و محمدجواد شهرکی (۱۳۸۸). «تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی». *مجله دانش و توسعه*. سال ۱۶. شماره ۲۸.
شریفی رنانی، حسین؛ شعاعی، فروغ؛ میر فتاح، مریم و محمدرضا توکلنیا (۱۳۹۲). «بررسی تأثیرات آزادسازی اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران: با تأکید بر آزادسازی تجاری». دوره ۴. شماره ۱۰. صص ۵۸-۲۹.
صالحی، محمدجواد (۱۳۸۱). «اثرات سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران». *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. شماره ۲۴. صص ۴۳-۷۳.
ضیایی بیگدلی، محمدتقی و نصراله مقصودی (۱۳۸۴). «بررسی اثرات تورم بر کسری بودجه از لحاظ درآمد و مخارج دولت در اقتصاد ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*. دوره ۵. شماره ۳. پیاپی ۱۸.
طیبی، کمیل؛ شیخ بهایی آزیتا و احمد گوگردچیان (۱۳۸۷). «تحلیلی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) با تأکید بر تجارت و سرمایه انسانی». همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
عیسی‌زاده، سعید و اکبر احمدزاده (۱۳۸۸). «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. دوره ۱۳. شماره ۴۰. صص ۱-۲۸.
طاهري، ابوالقاسم (۱۳۷۵). *حکومت‌هاي محلي و عدم تمرکز*. تهران. نشر قومس. چاپ سوم. صص ۹۶-۱۷.
مالميري، احمد (۱۳۸۵). «حاکمیت قانون: مفاهیم، مباني و برداشت‌ها». مجلس شوراي اسلامي. مرکز پژوهش‌ها.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

Alesina, Alberto., & Perotti, Roberto (1995). "Political Economy Of Budget Deficits", *International Monetary Fund*. International Monetary, Washington, Vol. 42, I. 1.

Arjomand Mansoor., Emami Karim., & Salimi Farshid (2015). "Growth and Productivity; the role of budget deficit in the MENA selected countries". *1st International Conference on Applied Economics and Business*. Procedia Economics and Finance 36, pp:345 – 352.

Atya, Eyad (2007). "Determinates of sustainable development weak and strong sustainability". Pp:3, www.yahoo.com **.**

Aymo Brunetti, Gregory Kisunko, and Beatrice Weder, (1997). "Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector", (working paper), World Bank.

Barro, Robert j., & Sala-i-Martin, Xavier (1995). *Economic Growth*. Mc Grow Hill, New York.

Barro, R.J (2001). "Human capital: growth, history and policy". *the American Economic review*, Vol. 19 (2), PP. 12-70.

Barro, r. j. (2000), "rul of low, democracy and economic performance", *index of economic freedom*, pp.31-49; available online at: http: //www.heritage.org/ research/ features/ index/ chaper. Pdf.

Barro, Robert (1991). "Economic Growth in a Cross Section of Countries". *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 106(2), pp. 407-433.

Barro Robert (1989). "On The Determination Of Public Debt". *Journal Of Political Economy*, Vol. 84, PP 343-349.

De Haan., & E. Strum (1994). "Political & Institutional Determinates Of Fiscal policy In The European Community". *Public Choice*, Vol. 80, PP. 157-72.

Fagbadebo, omololu (2007). "Corruption, Governance and political Instability in Nigeria". *African Journal of political Science and International Relations*, Vol. 1(2), PP. 28-37, available anline at http://www.academicjournals.org/Agpsir.

Feng, Y. (2003). *Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence*. Cambridge: MA, MIT press.

Fernández-Villaverde, Jesús. (2016). "International Review of Law and Economics". Vol. 47, pp. 22–28

Fish, M.Steven., & Brooks, Robins. (2007). "Does Diversity hurt democracy?", *Journal of democracy*, Vol. 15, No.1, p.10.

Grossman, F (2003). "Human Development and Regional Disparities in India". Center for Development Studies Department of Economics University.

Glasgow.Georgiou, M.N, (2015), "Economic Freedom and Human Development Index", *Economics Research Network*.

Haggard, Stephen., & Tiede, Lydia. (2011). "The Rule of Law and Economic Growth:Where are We?". *World Development*, Vol. 39, No. 5, pp. 673-685.

Keefer. P- Knack., & S-Olson. M. (1996). "Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies". *Journal Of Economic Growth*, Vol. 1, PP. 243-76.

Koyama, Mark., & Johnson, Blake (2014). "Monetary stability and the rule of law". *Journal of Financial stability*.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

Kaplow, (1993). **"**human tax & income tax**"**, *Department of Economics*, university of Harvard, discussion paper number 99/13.

Kaufmann, Daniel., Karaay, Aart., & Mastruzzi, Massimo (2007). "Governance Matters VI: Aggregate and individual Governance indicators 1996-2006". World Bank policy Research working paper. NO. 4280.

Kaufmann, Daniel., Art, Kraay., & Pablo zoido – Loba ton (2008). "Aggregating Governance Indicators". Policy Research working paper NO. 2195.

Kaufmann, Daniel., Kraay, Art., & Massimo Mastrazzi (1999b). "Governance Matters". World Bank Policy Research Working Paper No. 2196, Washington, D.C.

Kaufmann, Daniel., Kraay, Art., & Massimo, Mastrazzi (2002). "Governance Matters II". Updated Indicators for 2000/01. World Bank Policy Research Working Paper No. 2772, Washington, D.C.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo Mastruzzi (2004). "Governance Matters III: Governance Indicators for 1996, 1998, 2000, and, 2002". World Bank Economic Review. Vol. 18, PP. 253-287.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi (2005). "Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004". World Bank Policy Research Working Paper No. 3630. Washington, D.C.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., Massimo, Mastruzzi (2006a). *Measuring Governance Using Perceptions Data*. in Susan Rose-Ackrman, ed. Handbook of Economic Corruption. Edward Elgar.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi, (2006b). "Governance Matters V: Aggregate and Indicidual Governance Indicators for 1996-2005". World Bank Policy Research Working Paper No. 4012. Washington, D.C.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi (2007a). "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics". World Bank Policy Research Working Paper No. 4149. Washington, D.C.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi (2007b). "Growth and Governance: A Reply/Rejoinder*". Journal of Politics*. Vol. 69(2). PP. 555-562.

Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo Mastruzzi (2007c). "Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996-2005". World Bank Policy Research Working Paper No. 4280. Washington, D.C.

Keefer. P- Knack., & S-Olson. M. (1996). "Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies". *Journal Of Economic Growth*, Vol. 1, PP. 243-76.

Kirchgaessner,G (2001). "The Effect Of Fiscal Institution On Public Finance". CE sifo Working Papers 617.

Li, shaomin., & Filer, Larry, (2007). "The effect of governance environment on the choice of investment mode and the strategic implications". *Journal of world Business*, Vol. 42, pp. 80-98. Available online at www. Science direct. Com/ bam/ jwb.

Li, s., park, s., & Li, S (2004). "The great Leap forward: The transition From relation-based governance to rule- based governance", *Organizational Dynamics*. Vol. 33, PP. 63-78.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

Minsoo. Lee. "Growth In Transition Economics. Foreign Direct Investment, Fiscal policy, Human Capital and Structural Chang", A. PHD. Thesis, Washington State University, Development Of Economics.

peerenboon, R (2002). "socicl networks, rule of Law and economic growth in china: The elusive pursuit of the right combination of private and public ordering*". Global Economic Review*, Vol. 31, PP. 1-20.

Ram, Rati (1985). "Export and Economic Growth in developing countries: some additional Evidence". *Economic development and culture change*, No. 33, PP. 415-425.

Schugurenky, Daniel (2004). "Participatory Budget, A Tool For Democratizing Democracy". Talk Given at The Meeting "Some Assembly Required" Case Of Canada and Abroad, Toronto Metro Hall: April 29.

Stephan, (2003). "human capital and Taxation: the limited Role of the personal income tax in Developing Countries", Internet Document.

Tyler, G.w (1981). "Growth and Export Expansion in developing country". *Journal of Development Economic*, No. 9, PP. 121-130.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]